

محتاج بدو قوه است که در تمام اجزای منظمه دنیا این دو قوه یکی بقدر دیگری واجب و لازم شده باشد یکی از آن دو قوه سر میدهد و دیگری عمل می آورد بعبارة آخری یکی قوه مقننه و دیگری قوه مجریه است و وقتی بقوای طبیعی که خداوند تبارک و تعالی در طبیعت انسان بودیت گذارده رجوع کنیم می بینیم عین این دو قوه در طبیعت انسان خلق شده که یکی اراده و دیگری کردار است در مورد یک جماعت هم که در حقیقت یک وجود جامع است همین نکته ملحوظ است ملل هم مثل اشخاص اراده و فعل دارند و چون بین یک جماعت ممکن است در موقع اراده اتفاق آراء حاصل نشود این است اکثریت را مناسط محبت و اعتبار گرفته و در حکم اراده عموم دانسته اند قوه مقننه اراده میکند قوه مجریه بعمل می آورد

تقسیم و تفکیک قوا از یکصد سال باین طرف در مقدمه تمام قانونهای اساسی عالم نوشته میشود و در همه جا اول شرط آزادی را تقسیم قوای مقننه و مجریه و محاکمات میدانند

مسئله تفریق قوا بقوه مقننه و محاکمه و مجریه دارای کمال اهمیت است و نهایت مداخلت را در حفظ منافع عمومی دارد و فی الحقیقه تمام امورات عامه را در یک قوه جمع کردن و آن قوه را با همه طرف ندون که بیک رویه و یک سابق قوانین را بموقع اجرا

بگذارد خود امر غلطی است چنانکه که کنیم بدیختی مردم وقتی است که قوه قضائیه یا مقننه در دست قوه اجراء باشد آرزوی امنیت جانی و مالی اهالی را بدرود خراهد گفت

معارف برور آنرا بشارت

روزنامه مقدس [اتحاد] که دارای مطالب علمی سیاسی تاریخی اخلاقی است و جریده فریده مصور [حشرات الارض] که در بهترین اسلوب آینه غیب نمای مستبدین است بتازگی از افق تبریز طالع و عالم مطبوعات از انتشار این دو جریده مقدسه زینتی بی اندازه و آرایشی فوق العاده یافت

از صمیم قلب مؤسسين و معاونین این دو جریده را تبریک و نهایت مبارکوايم و از خداوند بقی آمارا خواهايم

اختصار

چون یک قسمت این جریده را منحصر بتاریخ نموده ایم و باقتضاء وقت تاریخ صاحب جوئی فرانسه را مقدم داشتیم چنانکه در نمرات قبل قدری ازان درج شد اکنون تاریخی در این خصوص آلف جناب ذکاء الملک دامت افاضه بدست آمد که از هر حیث مستغنی از مدح و توصف است لهذا با اجازه جناب مقام آرا درج می نمایم

عده وکلای ملت بموجب نظامنامه تقریباً هزار و دویست نفر مین شده و از این جمله قریب سبصد نفر نماینده روحانیون و سبصد نفر نماینده نجیب و ششصد نفر نماینده رعایا بودند روحانیون و نجیب وکلای خود را بلا واسطه تعیین مینمودند و رعایا در بلاد جمع شده از جانب خود اشخاصی را وکیل میکردند که نماینده آنها را انتخاب نمایند باری بترتیب مذکور نمایندگان ملت منتخب شدند و در اول ماه مه در ورسایل حاضر گردیدند چنانکه از مسطورات فوق مستفاد می شود دولت فرانسه انجمن نمایندگان ملت را برای آن فراهم نمود که از جانب ملت تمهید پول برای پادشاه بکنند لکن مردم اصلاح امور مملکت را طالب بودند و هنگامی که نمایندگان خود را منتخب نمودند بایشان دستور العمل دادند که قبیل وجهی نکند مگر بعد از آنکه ترتیب صحیحی در وضع دولت و ملت داده شود و هر یک از انجمنهای انتخاب کنندگان در موقع انتخاب کتابچه ترتیب داده توقعات خود را از دولت در او درج نموده به نمایندگی خویش داده بودند در تمام این کتابچه ها بقای اسس سلطنت قید شده بود ولی اصلاح امور را مطالبه کرد بودید الا اینکه کتابچه های روحانیون و امپان بقای امتیازات و مقامات خویش را هم قید نموده رضی بترك آنها نمیشدند فقط رعایا در کتابچه های خود توقع مساوات حقوق و یکسانی قوانین و انطای آزادی و نسخ استبداد داشتند و بنا برین قبیل از تمفاد انارو ظاهر گردید که در آن انجمن آرا و توقعات دولت و بزرگان و رعایا با هم منافات کلی داشته کشمکش و تنازع شدید پیش خواهد آمد

بقه دارد

عنوان مرساله و تلگراف

(طهران جریده حقوق)

نکارنده

میرزا محمد خراسانی

مکاتیب بدون امضا و تعرفه و نبر پست پذیرفته نمیشود و مطلقا بصاحبش مسترد نخواهد شد

حقوق

حریت مساوات عدالت

۵ شنبه ۴ جمادی الاولی ۱۳۲۶ هجری موافق ۴ ژون ماه مسیحی ۱۹۰۸

صاحب امتیاز سلیمان میرزا
قیمت اشتراك سالانه
طهران (۱۲) قران
ولایات داخله (۱۷) قران
خارج (۱۵) فرانك
اعلانات سطرى ده شاهی
نك نمره طهران يك عباسی
اشتركه مقدم گرفته میشود

من المبلغ عنى الى سعاد سلامی

بدیهی است هر ماتی که با دولت خود مخالفت میبورد و با یک همچان خارق العاده استرداد حقوق مقصوبه خود را طلب میکند اگر چه در ظاهر و بنظرات سطحیه ضدیت کرده و نسبت به پادشاه خود حرکتی جسورانه نموده ولی در باطن عقیده را منظور کرده و مقصدی را می بیند که در متن واقع دایر بحد نظر شوئلت و ترقی دولت مقبوعه خویش است و مراعات مقتضیات وقت و تأزیه ایلم او را بحرکت آورده و بمطالبه حقوق مشروعیه ملت و طرفداری آبادی مملکت و تمنای اقتدارات دولت ناگزیر کرده است حق این است که اگر شخص سلطنت را تدبیری برای حفظ مملکت و دوام و بقای مقام و منزلت خویش در کار است با کمال رغبت هیچ آنرا را استقبال فرموده بخضار و منافع ملک و ملت بی برده کسانیکه برای نفع موقتی شخص ذات مالوگانه را از همه لوازم آسایش و رفاهیت فرزندان مجازی خویش بجز و علف باز میدارند و جادوهای مفرضانه و زبان بندى های بوالهوسانه دولت ملت را در یک ظلم ذات و اسارت می افکند مسلوب الاقتدار و مقطوع الاختیار فرموده خارهای متبلان را در چنین موقع خطرناك از شاهراه ترقیبات ملک و ملت قلع و قمع فرمایند و ریشه این اشجار خبیثه را از این آب و خاک قطع کنند . امروز این اتحادی که مابین دولت و ملت بهمت عقلای خیر خواه جالب انتظار و خواطر نشین دواير پلتيکی کشفه همه میدانند

که حاوی چه آثار بزرگ و چه خوش بختی های خارج از تصور تواند شد . این همان سعادت ابدی است که خیر خواهان وطن آرزوی دیدار او را دارند . این همان دولت جاویدی است که عاشقان ترقی این کره خاکی را بوجد و رقص ملبورد این همان شامعد دلبندي است که علم داران مشروطیت وصل او را نمی میگردند بالاخره این همان هوای چیدی است که مشام جان ایرانیان را بمطر خراهد نمود و این همان تیر سه شیبه ایست که سینه رقبای دیرینه این آب و خاک را هدف یاس و حرمان خواهد ساخت کویا ملهم غیبی با یک ندای رسائی اعلیحضرت شاهنشاه جوان بخت را مخاطب ساخته که اعلیحضرتا این ملت شاه دوستند این ملت بلندی مقام و رفعت جایگاه پادشاه عادل خود را سعادت ابدی می بینارند این ملت نام نامی سلطان خویش را میخواستند هم رازوی میگردوی زاد بشمار آرند این ملت میخواهند از قوس نزول بقوس صعود طیران کنند این ملت همان ملتی است که کوبنده چه فرمان بزدان چه فرمان شاه بوده اند این ملت همان ملتی است که خدمت پشاه و وطن را شرط اعظم زندگانی میدانسته کنون هم مقصدی جز ترقیبات دولت و مملکت ندارد خولعان عدالت است طالب قانون این ملت تازه از خواب کران سختی بیدار شده چگونه سزاوار است که حیات آمان را مرده پنداشت آیا میشود شوه باین لفظ نمود که وجدانیات سی کورور نفس را لیکد کرب کرد چطور بخاطر میکند که حقوق آمارا بیامال نمود چگونه عقل تصویب میکند که

با آن لوای مخالفت افراشت کدام بدیر اجازه میدهد که افکار آتارا محمود ساخت کجا امکان پذیر است که باین مات تکلیف کرد که فهم یا لامجت هیچ معجزه هم جلو این خیالات ملت را سد نمیتواند کرد اعلیحضرتا موقع درنگ نیست بک آن موافقت شخص مقدست باکمال آسبه مملکت را باصلاح دعوت میکنند بدوانه دامن رأفت بکمر زن . چگونه می پسندی که خرد در بستر راحت غنوده و فرزندانت دم بدم اسیر بجه و یابیل حواث و انقلابت سرحدات و اکراد و غیره و غیره باشند چگونه بک بدنی سالم زیست میکنند در صورتیکه انضا و جوارح آن از اطراف شمیر سم قطعه قطعه شود چگونه بدری آسوده می نشیند در حالتیکه فرزندانش را هر لحظه کرکان داخله و خارجه یاره یاره کنند . اعلیحضرتا سرحدات منشوش است داخله نظم صحیحی ندارد مالبه در کار نیست قوه دفاعیه بکلی در کم عدم حالت حاضره مولد بک خاتمه خانمان سوز ذات اقدس است اگرچه غیر مؤول است لیکن چون سلطان قلب مملکت است اکر قلب آن نیز بوسله اتحاد و اتنی مطوف باصلاح مملکت شود هیچ طایق و مانعی صاحب ترقیبات برقی ان مملکت نمی تواند شد

اعلیحضرتا تا آنکه تهدید بمقام منبت چه بوسئل تاریخی وجه بدلائل عقلی باین مسلك صلح و سلم موافق نیست ولی همین قدر عرض میکنم ان مسلك سابق بینی ستیزگی

رفیق محمد علی شاه

این چند سطر را مقدمه محض اطلاع قارئین درج میکنم . اکنون که تقریباً پنج ساعت از آفتاب بگذشته است در مطبوعه مشغول تصحیح روزنامه بودم بناگاه صدای هی و هوی از میان خنایان بلند شد اجزاً مطبوعه رفتند و بر گشتند و در مطبوعه را بستند و گفتند سربازهای سبلاخوری شهر را شلوق کرده دکانها را می چایند چند دقیقه گذشت هباهوی ساکت شد از مطبوعه بیرون آمدم (مطبوعه نزدیک میدان بوخانه اوایل خنایان لاله زار است) تمام دکانها بسته خنایان خوت از طرف میدان بطرف مجلس قزاقی ها میروند توب میبرند . بعضی که از طرف میدان می آمدند سوال کردم این چه غوغا بود و این توب را کجا می برند و قزاقها کجا می روند گفت میروند مجلس را توب به بستند دکانها و بازار را هم سبلاخورها و غلامهای کسبک خانه چایبند . دیگری رسیده گفتم چه خبر است گفت شاه سوار شد و فرار کرد و رفت گفتم از کدام راه و کجا رفت از طرف خنایان دروازه قزوین و نمیدانم کجا می رود و این همه حرکات وحشیانه و صدمات که بکسبه و سایرین وارد شد آثار حرکت شاه بود .

باقی نکات این حرکت را در ضمن تاریخ شورش فرانسه گوش زد قارئین میکنم

بشنوید ای دوستان این داستانی خورد سرا با شرح حال ملت آن

در باطوم دو نفر جاسوس عثمانی را گرفتند که نقشه نظامی انجرا کشیده و همچنین بعضی اسناد نظامی بانها بود . جاسوسها اقرار کرده و موافق اطلاعاتیکه از آنها تحصیل شد در (بخاریا) مقدار زیادی قورخانه و آلات و ادوات حربیه کشف شد که از جانب عثمانی برای مسلمانان قفقاز فرستاده شده بود که در موقع جنگ شروع بانقلابات داخلی نمایند و در انجا نیز سواد عریضه را کشف نمودند که اهالی (بخاریا) بسلطان عرض کرده و وعده داده بودند که در مواقع لازمه حاضرند که هرچه از جانب خلفه امر شود اطاعت نمایند . عده کثیری از اشخاصیکه ان لایحه را امضاء کرده بودند توقیف شده و محدودی هم فرار کردند بملاوه . — ما خوب مستحضریم که بیشتر از شش ماه است که در اویش زیادی داخل شده و مسلمانان را دعوت میکنند که با یکدیگر اتفاق نمایند و اطاعت اوامر سلطان کنند و از بزرگی عظمت اسلام بخاطر آنها مبادرند دولت ما هم بواسطه اطلاعاتیکه تحصیل کرده است خود را برای مدافعه حاضر مینماید ولیکن بدینخانه تهیه های دولت ما خیلی ناقص است . مقداری قورخانه و ادوات حرب محدود فرستاده شده و از (قارص) توپهای جدید ن ستاده اند و بر استعداد قلعه جات محدود افزوده اند قلاع خطرط راه آهن کشیده شده و مهم متصل اند و قریب ۶۵ ورست راه آهن کشیده شده کساندرو پل مقدار زیادی اذرفه آبار کرده

اند و باطوم را با توپهای قدیم استحکام داده اند و لپلان قشون هنوز بقدر کفایت فرستاده نشده برای مقابله کردن بادویست هزار نفر قشون عثمانی که تماماً آنها واماده جنگ هستند دولت روسیه هفتاد هزار تشون ساخلوی قفقاز را دارد که در تمام ولایات قفقازیه بتفرقه و دولت نمیتواند آنها را از امکنه ایکه هستند تغییر دهد

راست است که در جراید همیشه ما را مطمئن نمودند و برای تسکین عقاید عامه اطمینان دادند و کجا میکنند که شما هم باین اطمینان باقی هستید ولیکن من شمارا دعوت مینمایم که به چوچه بقوال جراید اطمینان حاصل نه نمایند که مناط اعتبار نیست زیرا که موقع بسیار باریک و مهم است . چرا عثمانی ها این قدر خود را متعزز مینمایند و متحمل استقدر مخارج میشوند اگر مقصودشان جنگ نیست . در این جا همه از جنگ صحبت مینمایند و خیالات عامه مردم خیلی پریشان است از قراریکه میگویند آرامنه ازحالا شروع کرده اند که قشون داو طلب ترتیب دهند که با روسها جنگ کنند و این مطلب هم طبیعی است زیرا که برای راحتی و حمایت هم مذهبی های خودشان که در اسپای صغیر توطئند و دوچار صدمه هستند این جنگ را مینمایند

ر خود رفتند اما وکلای رعایا که از رضع رفتار و گفتار شاه و نهجیده خاطر شده بودند از جای خویش وزیر تشریفات بمجلس آمد برئیس گفت مگر شما امر پادشاه را نشنیدید جوابداد شنیدم اما حالا باید از تکلیف بخواهم زیرا که مجلس مظهر ملت است و هیئت ملت محکوم کسی نیست آنکه بکی از وکلا موسوم آید که اصلا اعیان زاده لکن هوا خواه آزادی و دشمن استبداد بود و خروشی زاید الوصف داشت و تم و کالت رعایا را قبول کرده و بواسطه فصاحت و بلاغتی که ظاهر نموده و حرفهای بزرگ و آرا مهمه که داده بی بکمال یافته و در مجلس وجود او اهمیت کبی پیدا کرده پیش آمد و بوزیر تشریفات گفت بی آقا مطالبی را که تلقا کرده بودند شنیدم اما شما درین انجمن نه جا دارید نه حق تکلم بروید باقای خودتان بگوئید ما باسر ملت آمده ایم و جز بزور سر نیزه بیرون نخواهیم رفت

آقامه را بعرض شاه رسانیدند گفت بسیار خوب . تعرض ایشان نشوید بعد از آن بسیاری از وکلای روحانیون از وکلای اعیان بصرافت طبع و بطیب خاطر بوکلای رعایا ملحق گردیدند و پادشاه چون دید فعلا مخالفت نمی دارد فوکلای اعیان و روحانیون امر کرد برعایا ملحق شده بک مجلس واحد تشکیل دهند چنین کردند و از این بجهن ثلاثه آنلزرو بمیدل به مجمع واحد گردیده . امرا (مجلس ملی مؤسس اساس) نامیدند و مشغول کار شدند (شبه دارد)

با آن لوای مخالفت افراشت کدام تدبیر اجازه میدهد که افکار آنانرا محدود ساختن کجا امکان پذیر است که باین ملت تکلیف کرد که فهم یا لامحت هیچ معجزه هم جلوی این خیالات ملت را سد نمیتواند کرد اعلیحضرت تا موقع درنگ نیست بک آن موافقت شخص مقدست بکمال آسپه مملکت را باصلاح دعوت میکنند پدران دامن رأفت بکمر زن . چگونه می پسندی که خرد در بستر راحت غنوده و فرزندانت دم بدم اسیر نجه و بیادیل حوادث و انقلابات سرحدات و اکراد و غیره و غیره باشند چگونه بک بدنی سالم زیست میکنند در صورتیکه ایضا و جوارح آن از اطراف شمیر سم قطعه قطعه شود چگونه بدنی آسوده می نشیند در حالتیکه فرزندان را هر لحظه کرکان داخله و خارجه یاره نیره کنند . اعلیحضرت تا سرحدات منشوش است داخله نظم صحیحی ندارد مالبه درکار نیست قوه دفاعیه بکلی در کتم عدم حالت حاضره مولد بک خاتمه خانمان سوز ذات اقدس است اگر چه غیر مؤول است لیکن چون سلطان قلب مملکت است اصرار قلب آن نیز بوسله اتحاد واتمی موقوف باصلاح مملکت شود هیچ عایق و مانعی حاجب ترقیبات برقی ان مملکت نمی تواند شد .

اعلیحضرت تا بانکه تهدید بمقام منبت چه بوسائل تاریخی و چه بدلائل عقلی باین مسلک صالح و سلم موافق نیست ولی همین قدر عرض میکنم ان مسلک سابق بنی سترکی

بالمت حیات هیچ سلطان مقتدزی را تا بنین نمی کنند واه دل مظلوم هیچگاه بی اثر نمی ماند بنا براین امروز که نیز سمادت اتحاد دولت و ملت از افق این مملکت طالع گردیده وقت هدم بنای جور و امتساف و همراهی بملت است تا نام نامیت زینت تخایف تاریخ کرده و ذات مقدست محبوب قلوب عامه شود

چرا باید در این موقع هار و تابستان ذات مقدست در قصر کاشان معتکف باشد (یا اکنون فراری در پربان) چرا باید غالباً شخص شخصت رونق اقرای مجلس ملی نباشد چرا باید دست خیر خواهان از دامت کوتاه بماند چرا باید قاب شاه از ملت و دلپای ملت از شاه ملول باشد چرا باید سرحدات ایران را باین اغتشاش ملاحظه کنی و بر چه من الوجوه در باب تأمین حدود و رفع اغتشاشات توجه فرمائی اعلیحضرت تا مگر تلکرافات جان کداز ارومی و خلخال و خوی و کرمانشاه و سایر نقاط از نظر مبارکت نه گذشت اعلیحضرت تا مگر از تمدیات قزاق های روس در بیله سوار و کمر کخانه را ایش زدن تلکرافی خانه را خراب نمودن اهالی را بجزک هلاک انداختن خیر دار نشدید .

اعلیحضرت تا گذشته از مقام سلطنت مگر شما ز اهل این اب و خاک محسوب نمیشود

مگر شما بچ الوطن اقرار ندارید مگر شما بیضه اسلام را فریضه نمی شمارید مگر شما از مقصد خود چشم پوشیده اید و از زندگانی صرف نظر کرده اید

﴿رفیق محمد علی شاه﴾

این چند سطر را مقدمه محض اطلاع قارئین درج میکنم . اکنون که تقریباً پنج ساعت از آفتاب بختیبه ۴ گذشته است در مطبوعه مشغول تصحیح روزنامه بودم بناگاه صدای های و هوی از میان خیابان بلند شد اجزاً مطبوعه و رفیقایم بر گشتند و در مطبوعه را بستند و گفتند سربازهای سبلاخوری شهر را شلوغ کرده دکانین را می چایند چند مجلس گذشت عبا هوی ساکت شد از مطبوعه بیرون آمدم (مطبوعه نزدیک میدان قوتخانه اوایل خیابان لاله زار است) تمام دکانین بسته خیابان خنوت از طرف میدان بطرف مجلس قرای ها میروند توب میروند . بعضی که از طرف بملت می آمدند سؤال کردیم این چه غوغا بود و این توب را کجا می برند و قرا آنها کجا می روند گفت میروند بمجلس همراهی توب به بندند دکانین و بازار را هم سبلاخورها و غلامهای کشیک خانه چاییدند . دیگری رسید گفتیم چه خبرین بشما گفت شاه سوار شد و فرار کرد و رفت کف از کدام راه و کجا گفت از طرف خیابان دروازه قزوین و نمیدانید میروند و این همه حرکات و حیثیه و صدیات که بکسبه و سایرین وارد شد آثار حرکت شاه بود .

باقی نکات این حرکت را در ضمن تاریخ شورش فرانسه گوش زد قارئین میکنم

﴿بشنوید ای دوستان این داستان﴾

﴿خود سرا با شرح حال ملت آن﴾

در باطوم دوفر جاسوس عثمانی را گرفتند که قلمه نظامی انحراف کشیده و همچنین بعضی اسناد نظامی با آنها بود . جاسوسها اقرار کرده و موافق اطلاعاتیکه از آنها تحصیل شد در (عجاریا) مقدار زیادی قورخانه و آلات و ادوات حربیه کشف شد که از جانب عثمانی برای مسلمانان قفقاز فرستاده شده بود که در موقع جنگ شروع با انقلابات داخلی نمایند و در آنجا نیز سواد عربیه را کشف نمودند که اهالی (عجاریا) بسلطان عرض کرده و وعده داده بودند که در مواقع لازمه حاضرند که هر چه از جانب خلیفه امر شود اطاعت نمایند . عده کثیری از اشخاصیکه ان لایحه را امضاء کرده بودند توقیف شده و مدودی هم فرار کردند بملاوه .

ما خوب مستحضریم که بیشتر از شش ماه است که در اویش زیادی داخل شده و مسلمانان را دعوت میکنند که با یکدیگر اتفاق نمایند و اطاعت او امر سلطان کنند و از بزرگی عظمت اسلام بخاطر آنها مبارزند درک ما هم بواسطه اطلاعاتیکه تحصیل کرده است خود را برای مدافعه حاضر مینماید ولیکن بدبختانه تهیه های دولت ما خیلی ناقص است . مقاری قورخانه و ادوات حرب محدود فرستاده شده و از (قارص) توبهای جدید فرستاده اند و بر استعداد قلعه جات محدود افزوده اند و مابین قلاع خطرط راه آهن کشیده شده و بهم متصل گردیده اند و قریب ۶۵ ورست راه آهن کشید شده . در (الکساندرو پل) مقدار زیادی اذرفه ابار کرده

اند و باطوم را با توبهای قدیم استحکام داده اند و لپان قشون هنوز بقدر کفایت فرستاده نشده

برای مقابله کردن بادویست هزار نفر قشون عثمانی که تماماً آنها و آماده جنگ هستند دولت روسیه هفتاد هزار قشون ساختلوی قفقاز را دارد که در تمام ولایات قفقازیه مفرقتند و دولت نمیتواند آنها را از امکته ایکه هستند تغییر دهد

راست است که در جراید همیشه ما را مطمئن نمودند و برای تسکین عقاید عامه اطمینان دادند و کجا میکنند که شما هم باین اطمینان باقی هستید ولیکن من شمارا دعوت میکنم که به چوچه بقوال جراید اطمینان حاصل نه نمائید که مناط اعتبار نیست زیرا که موقع بسیار باریک و مهم است . چرا عثمانی ها این قدر خود را متشکر مینمایند و متحمل استقدر بخارج میشوند اگر مقصودشان جنگ نیست . در این جا همه از جنگ بچمت مینمایند و خیالات عامه مردم خیلی پریشان است از قراریکه میکنند ارامنه از حالا شروع کرده اند که قشون داو طلب ترتیب دهند که با روسها جنگ کنند و این مطلب هم طبیعی است زیرا که برای راحتی و حمایت هم مذهبی های خودشان که ر اسبای صغیر متوطنند و دو چار صدمه هستند این جنگ را مینمایند

اطلاعاتیکه من تحصیل کرده ام دولت عثمانی برای جلب منافعیکه در نظر دارد و برای تحصیل نتایج اولیه بادویست هزار نفر قشون حاضر خود شروع بجنگ مینمایند و

کدام بطالار خود رفتند اما وکلای رعایا که از وضع رفتار و گفتار شاه رنجیده خاطر شده بودند از جای خویش نجیبند وزیر تشریفات بمجلس آمد برئیس گفت مگر شما امر پادشاه را نشنیدید جوابداد شنیدم اما حالا باید از مجلس تکلیف بخواهم زیرا که مجلس مظهر ملت است و عهدت ملت محکوم کسی نیست انگاه یکی از وکلا موسوم به میرابو که اصلاً اعیان زاده لکن هوا خواه آزادی و دشمن استبداد بود و جوش و خروشی زاید الوصف داشت و باین جهت وکالت رعایا را قبول کرده و بواسطه فصاحت و بلاغتی که ظاهر نموده و حرفهای بزرگ و آرا مهمه که داده اشتهازی بکمال یافته و در مجلس وجود و اهمیت کبی پیدا کرده پیش آمد و بوزیر تشریفات گفت بی آقا مطالبی را که بشاه القا کرده بودند شنیدم اما شما درین انجمن نه جا دارید نه حق تکلم بروید بقای خودتان بگوئید ما بامر ملت اینجا آمده ایم و جز بزور سر نیزه بیرون نخواهیم رفت

چون واقعه را بعرض شاه رسانیدند گفت بسیار خوب . متعرض ایشان نشوید بعد از آن بسیاری از وکلای روحانیون و بعضی از وکلای اعیان بصرافت طبع و بطیب خاطر بوکلای رعایا ملحق گردیدند و پادشاه چون دید فعلاً مخالفت نمیشود بسایر وکلای اعیان و روحانیون امر کرد برعایا ملحق شده بک مجلس واحد تشکیل دهند چنین کردند و از این وقت انجمن ثلاثه انارو تبدیل به مجمع واحد گردیده آرا (مجلس ملی مؤسس اساس) نامیدند و مشغول کار شدند

(بقیه دارد)

محققاً باین استبداد جنکهای اولیه را فتح خواهد نمود -

﴿ اخطار ﴾

(راجع بمحفل آزادگان - در تعرض بانجمن حقوق) چون لایحه آن انجمن خبلی مفصل و وظیفه انجمنهای ملی این نیست که زیاده از مقدار لزوم اوقات شریف خود را صرف مباحث الفاظ نمایند لهذا بیش از دو فقره در ایجاب عرض نمیکنیم . اول اینکه تصدیق میکنیم که انجمن حقوق با محفل آزادگان چنانچه خودشان تصریح فرموده اند هم آفق نبوده و نخواهد بود زیرا که مسلک انجمن حقوق همین است لکن مسلک محفل آزادگان هنوز بر اغلب انجمنهای مشروطه خواه ملی پوشیده است فقره دوم اینکه جواب آن محفل را بدوق و سلبقه انجمنهای مشروطه طلب ملی وامیکنداریم (امضاً انجمن حقوق)

﴿ انجمن اتناقیه طلاب ﴾

صبح جمعه ۲۸ ماه گذشته جمعی از وکلاء و نمایندگان انجمن ها و غیره بموجب دعوت در انجمن مزبور حضور به هم رسانیده در خصوص ذخیره و بقایای حکام گفتگو و مذاکره شد

بالاخره جمعی از حاضرین از نمایندگان انجمن ها داو طلبانه برای رسیدگی در این دوا سر خود را حاضر نمودند که دست از همه کار بکشند و شب و روز وقت خود را صرف انجام این دو مسئله نمایند و ناچائی این دو مطالب منتهی نشود در هیچ امری خادلت نکنند . اکنون خبلی سزاوار است کسانیکه در این موضوع اطلاعات صحیح دارند اطلاعات خود را بانجمن مزبور برسانند

و هم در این روز تمام سرداران قشون و صاحب منصبان نظام و کلبه رجال دولت و شاهزاده کان و قاجار به عموم اجزاء ادارات دولتی حتی طبقات نوکر در منزل جناب عضد الملک اجتماع نموده انجمن کردند اظهار داشتند که بواسطه اغراض چند نفر منسد که دور شاه جوان را گرفته اند و اغوا مینمایند نزدیک است دولت چندین هزار ساله منقرض و رسته قومیت و ملیت از هم بکشد لهذا ما محض استقلال ایران تمهید این چند تن خائن را از شاه می خواهیم و متفرق نخواهیم شد مگر آنکه خائنین از دربار رانده شوند و از ایران تمهید کردند

عموم انجمن های ملی در این موقع بمنزل جناب عضد الملک رفته و لوازم اتحاد و اتفاق را با حضرات بجای آورده و همراهی خود را در این نیت مقدس اظهار داشتند -

بالاخره بعد از کتمکش های زیاد عصر سه شنبه ۲ جنابان آقای عضد الملک و مشیر السلطنه و حضرت والا سیر الدوله از خدمت شاه آمدند و بشارت اخراج (یعنی خراهند رفت) مقصدین را بموجب لایحه ذیل جناب حاجی ملک الملک بکمترین بمردم اعلان کردند

﴿ لایحه ﴾

این بنده مشیر السلطنه که رئیس الوزراء هم در خدمت حضرت اشرف آقای عضد الملک و سرکار والا شاهزاده سیر الدوله شرفیاب خاکپای جواهر اسای مبارک هایونی از احنا فدا شده مطالب ذوات خواهان اسرا و وزراء واعیان و عموم ملت را معروض داشتیم مستدعیات عموم راجع بتصفیه دربار در حضور هایونی مقبول افتاد اشخاص مفصله ذیل را از دربار معدلت مدار تمهید و اخراج واز نوکری معزول فرموده و امید داریم بعد از رفع این موانع اصلاح کلبه امور مملکت بشود

امیر بهادر شهبازی علی بیگ موقر السلطنه امین الملک مفاخر الملک

بعد از قرائت این لایحه عموم مردم تشکرات صمیمانه نمودند و زنده باد شاه ملت دوست گفتند و متفرق شدند

﴿ حقوق ﴾

رقبای همین که وضع در این قسم ملاحظه نمودند و وسایل و وسایط و آلات اجراء خیالات خود را از دربار ایران رانده دیدند بتوسط همان خائنین نایک عجله هر چه سریعتر رأی شاه را زدند و شاه جوان را اغوا نمودند و مجبور بحرکت ناپسند و مسافرت بیوقع کردند و صفحه تاریخ سلطنت ششمین شاه قاجار را بزشتی مدون ساختند بعد از حرکت شاه هیئت وزراء بمجلس ملی مشرف شده اقدامات خود را در باب تنظیم ادارات و تأمین ولایات و ایالات عرض نمودند

﴿ اعلان ﴾

خدمت عموم مشترکین حقوق اخطار میشود قبوض و جوه اشتراک بهر اداره تقدیم خواهد شد هر قبض که بهر اداره نه باشد از درجه اعتبار ساقط است

﴿ مآثری فی حلق الرحمن من تفاوت ﴾

(مدیر آفاسد محمد رضای شیرازی)

(طهران)

عنوان مراسلات اداره مساوات

عجائلاً هفته یکبار به طبع میشود

وجه اشتراک پس از رسانیدن

چهار نمره دریافت می شود



(وجه اشتراک)

نک نمره (طهران) یکبارگی

سایر بلاد ایران پنج شاهی

سایر بلاد طهران (۱۲) قران

سایر بلاد ایران (۱۷) قران

خارجه (۱۵) فرانک

﴿ اخوت ﴾

﴿ عدالت ﴾

﴿ حریت ﴾

یکشنبه پنجم شهر مبارک رمضان ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۶ مهر ماه جلالی ۱۳۲۹ و ۱۳ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی

خود و دیگران باز صدیک ازان منافع مذکوره مترقبه به ایران عاید نگشته - پس لابد انسان بعد از ملاحظه این تضاد قولی و فعلی در جراند و آن عدم موافقت نتیجه تجارب عملی با مقدمات نظری متحیر می ماند درین مقام که آیا ان فوائد برای جراند هم بهی اصل بود و رجزخوانی یا مانعی در ظهور این آثار پیدا شده - بلی سابق جراند ما همه بکزیان شکایت از قیود و عدم آزادی میکردند که دست محررین بسته است و طائر بلند پرواز افکارشان در قفس استبداد اسیر ولی بعد از آنکه از پارسال باین طرف ندی آزادی درین مملکت داده شده و البته واقلام از سلاسل و اغلال منفک واز تبهود استبداد آزاد شدند دیگر بهانه و عنبر از ارباب قلم مقلوع شد جراند در عده و کمیت و فور و بازار روزنامه فروشی رواج پیدا کرد باز آثار و شایع مترقبه بتهور رسیده و فوائد متنوعه حاصل نشد طریق استفاده از آزادی هم برایشان مجهول ماند پس لابد باوجود نبوت فوائد جراند در محل خود و اینکه ملل متمدنه از برکت جراند و مجلات مایه خود بان ذروه عابلی تمدن رسیده اند عاقی برای روزنامه های فارسی زبان در کار است که مانع از ظهور آثار موزر میگردد و عیبی در آنها است که با منافع و محاسن طبیعی آنها تکافی می نماید . . . [ان سبب مخنی یا روشن چیست] . . . [و آن روزنامه که بحال ملت فایده دهد کدام است] آن سبب اصلی آنرا ما بجنب فهم خود چنین

من مدتها در کتب و رسائل و او راق منتشره خوانده ام که یکی از بهترین وسائل برای ترقی ملت و صلاح و فلاح مملکت و آبادی کشور جراند است و بگانه واسطه نجات و وسيله تمدن و ترقی همان روزنامه و رسائل موقوتیه است و این قدر از فوائد و محسنات روزنامه و مزایا و منافع جراند در خود روزنامه ها دیدم که گمان میکردم آدم باید هر چه از هر جا بهر زحمت بدست بیارد بروزنامه بدهد و اگر روزی چیزی بگیرش نیامد باید جل و پلاس خانه را زحمت داده گرو گذاشته یا فروخته و چه از او در جیب گذارده فوراً بیهیای روزنامه فروش را صد تا مید و همه را خدمت ایشان بندگی کرده او راق رنگین و گوناگون اریز رنگ و کوچک و باریکی مختلفه گرفته روانه منزل گردد گاهی در خود جراند مدائمی برای روزنامه میدیدم که شبیه بمدحه های بود که شعرا بملاطین قدیم و متمولین می ساختند و اغلب دو صنفه مثل شمارمقا میتوان روزنامه است که . . . روزنامه است الح و صد مرتبه تکرار این جمله در تعریف صنعت و ترویج حرفت خودشان می نوشتند ولی برای آنکه بفهمیم که آیا این فوائد واقعا درین او راق هست یا نه باید به نتیجه که از این رسائل تا کنون بمردم عاید شده نظر انداخت چون ملاحظه این نکته را میکنیم می بینیم که این فوائد منتظره بملت ایران از جراند خودشان حاصل نگشته و با وجود وفور نسبی جراند در ایران و افراط بمل مردم و صرف وقت ایشان درین راه نسبت به ثروت و تمدن و تمیم معارف در ایران و حتی فوق ایران درین شعبه بر سایر ملل به نسبت سایر احوال مدینه و لواضع اجتماعه